حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک و معیارهای تعیین کننده آن با تأکید بر اندازه مؤدیان مالیاتی و تجربه سایر کشورها

مهدی رمضانی[۱]
محسن دستگیر[۲]
علی عسکری[۳]
عبدا... خانی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۸

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک[۵] و معیارهای تعیین کننده آن با تأکید بر اندازه مؤدیان مالیاتی و تجربه سایر کشورهاست که از طریق شناخت عوامل مؤثر بر ریسک تمکین[۶]، برنامه‌ریزی حسابرسی بر اساس ریسک، روشهای محاسبه و ارزیابی ریسک و مدیریت تمکین مالیاتی همراه با ارائه خدمات و آموزش مناسب به مؤدیان انجام شده است. بر اساس مدل ارائه شده در این تحقیق، سازمان مالیاتی می تواند با استفاده از داده های بیرونی و درونی سازمان مالیاتی از قبیل داده های گمرکی، بانکی، بیمه، اظهارنامه های قبلی و ... به تطبیق اطلاعات مؤدیان از طریق تحلیل بر مبنای ریسک بپردازد.

واژه های کلیدی: حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، ریسک تمکین[۷]، ریسک عدم تمکین، مدیریت ریسک، مدیریت تمکین مالیاتی[۸]

۱- دانشجوی دکترا رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان (نویسنده مسئول) rsayedmehdi@yahoo.com
۲- عضو هیأت علمی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان
۳- عضو هیأت علمی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و رئیس سازمان امور مالیاتی کشور
٤- عضو هیأت علمی حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه اصفهان Dr. a. khani@gmail.com

5. Risk- based Tax Audits

٦- در ادبیات تخصصی حسابداری و بالاخص حسابرسی در ایران کلمه "Compliance" تحت عنوان "رعایت" ترجمه و به کار گرفته می شود، در حالی که در ادبیات و مقالات تخصصی مالیات و سازمان مالیاتی ایران کلمه مذکور تحت عنوان " تمکین " ترجمه و کاربرد فراوانی دارد. لذا در این تحقیق به لحاظ تطبیق با ادبیات مالیات در ایران و درک بیشتر مفهوم از کلمه تمکین به جای رعایت استفاده خواهد شد.

7. Compliance Risk

8. Tax Compliance Management

۱-مقدمه

مالیاتها بخش عمده ای از درآمدهای هر دولتی را تشکیل داده و یک منبع پایدار درآمدی را فراهم می کنند. در این راستا ترویج تمکین داوطلبانه[1] پرداخت مالیاتها نیاز به توسعه رویکردهای نوین مبتنی بر مدیریت ریسک و در جهت مقرون به صرفه بودن درآمدهای حاصله دارد. تمکین داوطلبانه از طریق سیستم خوداظهاری بدست می آید که در آن مؤدیان[2] تعهدات مالیاتی خود را بدون مداخله مقامات مالیاتی انجام می دهند. در این رویکرد مؤدیان به طور داوطلبانه و به دقت اظهارنامه های مالیاتی خود را برای شناسایی تمام بدهی های مالیاتی تکمیل می کنند و این اظهار نامه‌ها را جهت پرداخت تسلیم می‌کنند. وقتی که این اتفاق نمی افتد، اداره مالیاتی عملیات اجرایی مناسب را از جمله حسابرسی مالیاتی اعمال می کند.

بر خلاف انتظار معمول، تمرکز اصلی یک سیستم نوین مالیاتی که بر پایه خود اظهاری و تمکین مالیاتی داوطلبانه استوار است، جمع آوری مالیاتها نیست، بلکه در آن تعهدات مالیاتی بوسیله خود مؤدیان ارزیابی می شود و از طریق بانک پرداخت می گردد. در این حالت، وظیفه اصلی سازمان مالیاتی: الف) مدیریت تمکین مالیاتی به منظور شناسایی و جلوگیری از رفتار مجرمانه ؛و ب) ارائه خدمات و آموزش به منظور کمک به مؤدیان جهت انجام تعهدات مالیاتی شان با سهولت و کمترین پیچیدگی و تمکین مالیاتی می باشد. اما ترویج تمکین داوطلبانه نیاز به توسعه رویکردهای نوین مبتنی بر مدیریت ریسک به منظور ارتقاء هزینه ـ اثربخشی در وصول درآمدها دارد که بدین منظور نیاز است عوامل مؤثر بر رفتار تمکین مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته و در جهت حسابرسی مبتنی بر ریسک به این عوامل توجه گردد.

طبقه‌بندی مؤدیان مالیاتی در گروه مؤدیان بزرگ، متوسط و کوچک، اولین گام مهم در توسعه مدیریت ریسک و طراحی برنامه های هدفمند است که ریسک‌های تمکین و خدمات مورد نیاز هر گروه از مؤدیان را مشخص می‌نماید. بنابراین در این مقاله، ابتدا نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک و در قالب چند بخش آورده شده است و تمکین و عدم تمکین مالیاتی از نظر مفهوم و تأثیر گذاری بر حسابرسی را بیان نموده، سپس چگونگی انتخاب مؤدیان جهت حسابرسی و تکنیک های ارزیابی

1. Voluntary Compliance
2 . Taxpayers

ریسک و همچنین روشهای آماری محاسبه ریسک بیان می شود. سپس وضعیت حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در ایران به اجمال بیان و در نهایت حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در شرکتهای بزرگ و کوچک و روشهای نوین تحلیل ریسک مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-ادبیات موضوع

مدیریت ریسک عنصری کلیدی، مؤثر و کارآمد در مدیریت تمکین مالیاتی مؤدیان بوده و از اولویت های عملیاتی یک سازمان مالیاتی مدرن به حساب می آید. اعمال یک استراتژی تمکین توسط سازمان مالیاتی، عکس‌العمل متناسب با سطح ریسک تمکین هر مؤدی می‌باشد (نظیر مکاتبه، اخطار، اعتماد به خود اظهاری، حسابرسی محدود و حسابرسی جامع). سازمان مالیاتی برای شناسایی و انتخاب مؤدی جهت حسابرسی، به دلیل محدودیت منابع و تعداد بسیار زیاد مؤدیان، نیازمند روشی سیستماتیک و بر مبنای ریسک می باشد(سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی[1]، ۲۰۰۴). در یک سیستم مدرن جهت وصول مالیات: ۱- غیر ممکن است که دولت تک تک مؤدیان را مورد ممیزی و رسیدگی قرار دهد؛ ۲- بررسی مداوم مؤدیان کم خطر و تمکین کننده، هدر دادن منابع توسط دولت می باشد. در یک چنین سیستمی انتخاب مؤدی جهت حسابرسی یا ممیزی بر اساس معیار ریسک مؤدی خواهد بود. در نتیجه برنامه ریزی حسابرسی با توجه به طبقات مختلف ریسک مؤدیان انجام خواهد شد.

مدیریت ریسک، یک استراتژی کلیدی برای سازمان مالیاتی نوین خواهد بود و تمرکز این استراتژی، بر پایه موارد زیر است:

الف) ایجاد سیستم خوداظهاری؛

ب) ارتقاء پیروی داوطلبانه؛

ج) به کارگیری مدیریت ریسک؛

د) ساختار سازمانی براساس تمرکز عملکردی نه بر اساس تمرکز جغرافیایی؛

ه) تمرکز بر روی تخصص؛

و) ارتقاء انصاف و عدالت؛

ز) خدمات متنوع برای پاسخ‌گویی به نیازهای طبقات مختلف مؤدیان.

1. Organization for Economic Co-operation and Development

تکنیکهای مدیریت ریسک تمکین، صرفاً به حسابرسی مالیاتی محدود نمی شوند و بخشی از رویکرد جامع و مشارکتی جهت ارتقاء تمکین مالیاتی می باشند و به طور چشمگیری موجب تغییر دیدگاه سازمان مالیاتی و مؤدیان می شوند.

دولت نمی تواند تک تک مؤدیان را مورد ممیزی و رسیدگی قرار دهد و همچنین بررسی مداوم مؤدیان کم خطر و تمکین کننده، هدر دادن منابع توسط دولت می باشد. به نوعی می توان گفت هزینه فرصت از دست رفته برای یک چنین بررسی هایی بسیار بالا است، بنابراین منابع باید برای مؤدیانی صرف شود که پتانسیل ایجاد درآمد و سود بالایی دارند. سازمان مالیاتی باید با هزینه- منفعت نمودن روشها و تکنیکهای خود، تمکین مالیاتی توسط مؤدیان را به منظور شناسایی و پیشگیری از رفتار مجرمانه مدیریت نماید و از طریق ارائه خدمات و آموزش مناسب، مؤدیان را در تمکین و پرداخت تعهدات مالیاتی شان کمک نماید. چنین سیستم مدرنی بر پایه خود اظهاری و تمکین داوطلبانه[1] توسط مؤدیان پایه ریزی شده است و کارکرد ارزیابی ریسک از کارکرد اجرای حسابرسی تفکیک می گردد(کاواجا و همکاران،۲۰۱۱). سازمان مالیاتی باید حسابرسی را در مورد مؤدیان با ریسک بالا استفاده نماید و این تمرکز به احتمال زیاد، درآمدهای بالاتری را در پی خواهد داشت و مسلماً عامل بازدارنده قوی برای متخلفان خواهد بود. به طوری که دیگر حسابرس سازمان مالیاتی درگیر پردازش اظهار نامه مالیاتی نمی گردد و این موضوع به صورت خودکار انجام می شود. سازمان مالیاتی نیز منابع انسانی و مادی خود را همزمان صرف ارتقا خدمات مالیاتی، آموزش و اطلاع رسانی در جهت مدیریت تمکین و ارتقا تمکین داوطلبانه توسط مودیان می نماید.

استراتژی‌های شناسایی ریسک، بر مبنای تجزیه و تحلیل روند کسب و کار و الگوهای اجتناب مالیاتی توسعه یافته اند. انتخاب مؤدیان جهت حسابرسی بر پایه ارزیابی ریسک و توسعه تکنیک‌های انتخاب مبتنی بر ریسک می‌باشد. برای این منظور، ویژگیها و مشخصات مؤدی دریک سیستم نمره-دهی ریسک، جهت شناسایی و ارزیابی ریسک عدم تمکین استفاده می‌شود. این کار باعث اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی حجم کار ممیزی و خدمات مؤدیان شده و باعث می‌شود که منابع به گروه‌های با ریسک بالا اختصاص داده شود (شکل ۱).

1. Voluntary Compliance

شکل۱- مفاهیم کلیدی در یک سازمان مالیاتی مدرن

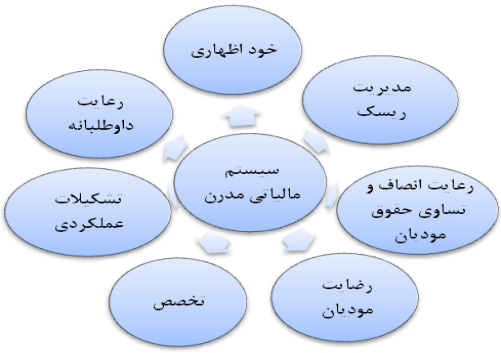

اثربخشی مدیریت مبتنی بر ریسک تمکین، اساساً به موارد زیر بستگی دارد:

- جمع آوری اطلاعات شخص ثالث و مطابقت آن با اظهارنامه مؤدی با استفاده از پایگاه‌های داده قابل اتکا و شماره شناسایی منحصر به فرد مؤدی مالیاتی.
- انجام نمونه‌گیری بر پایه تجزیه و تحلیل ریسک.
- استاندارد سازی فرآیند های پرداخت، از قبیل پرداخت از طریق بانک و الزامات حسابداری.
- اطمینان در خصوص به کارگیری یکنواخت قوانین و روش‌ها .
- ارائه اطلاعات به موقع و مناسب برای تصمیمات مدیریتی در جهت تدوین سیاست مالیاتی.

در چند سال گذشته استفاده از اطلاعات اشخاص ثالث و اتوماسیون افزایش یافته که به سازمان مالیاتی این امکان را می‌دهد تا پروفایل های اظهارنامه‌های مالیاتی را ایجاد نموده و به صورت آنلاین به اظهارنامه‌ها دسترسی داشته باشد. این تحولات باید در تنظیم استراتژی‌های ممیزی مالیاتی خوب و رویکردهای مبتنی بر ریسک در نظر گرفته شود. استراتژی حسابرسی، ابزار مهم و حیاتی در مدیریت تمکین از طریق سازمان مالیاتی می باشد. یکی از جنبه‌های طراحی استراتژی حسابرسی، روشِ مورد استفاده برای انتخاب مؤدی می‌باشد. بسیاری از سازمان‌های مالیاتی استراتژی‌های حسابرسی خود را بر پایه روش‌های نمره دهی بر مبنای ریسک[1] توسعه داده‌اند.

1. Risk-Scoring

اما در این میان، نقش سازمان مالیاتی در مدل مبتنی بر ریسک، به عنوان یک بازیگر استراتژیک خواهد بود. در این مدل، این واقعیت در نظر گرفته می شود که احتمال شناسایی (با فرض اینکه مؤدیان بخواهند به طور طبیعی درآمدشان را کمتر اظهار کنند) بستگی به اطلاعات ارائه شده توسط مؤدیان به سازمان مالیاتی در هنگام تکمیل اظهارنامه مالیاتی آنها، خواهد داشت. سازمان مالیاتی می-داند که درآمد گزارش شده به وسیله مؤدیان بستگی به عملکرد خود سازمان و محدودیت بودجه‌ای مؤدی دارد. در نتیجه در یک چنین بازیی[1]، استراتژی تمکین توسط مؤدیان بمانند استراتژی ممیزی توسط سازمان مالیاتی عمل خواهد نمود. نتیجه مهم این بخش از ادبیات ریسک این خواهد بود که مکانیزم امتیازدهی با استفاده از اطلاعات ارائه شده توسط مؤدیان بوده و مشخصات و ویژگیهای اصلی آنها آشکار می‌گردد و برای مؤدیان مشکل است که به طور مداوم اجتناب از حسابرسی و کم گزارش-دهی درآمدهایشان را داشته باشند. از لحاظ هزینه نیز، هزینه بری این روش استراتژی حسابرسی بیشتر از سایر روش‌ها از قبیل حسابرسی تصادفی نخواهد بود .

۲-۱- مفهوم تمکین و عدم تمکین مالیاتی

بحث تمکین مالیاتی که اغلب از دیدگاه مؤدی مورد مطالعه قرار می گیرد، در ادبیات اقتصاد نظری، بر اساس تئوری کلاسیک حداکثر کردن مطلوبیت مورد انتظار شکل می گیرد که طبق این تئوری، زمانی که هزینه‌های تمکین (مقدار مالیات پرداخت شده، زمان و سایر هزینه‌های صرف شده جهت تمکین مالیاتی) بیش از منافع خالص عدم رعایت باشد، مؤدیان مالیاتشان را پرداخت نخواهند کرد. در چنین حالتی حداکثر مطلوبیت مؤدی، بستگی به احتمال شناسایی وی توسط سازمان مالیاتی و اقدامات سازمان مذکور برای اجرای قانون دارد (اندرونی و دیگران،۱۹۹۸).

مطالعات تجربی بسیاری سعی در تعریف تمکین مالیاتی داشته‌اند. به عنوان مثال سازمان مالیاتی استرالیا[2] (۲۰۰۹)، هیئت درآمدی داخلی در مالزی[3](۲۰۰۹)، آلام (۱۹۹۱)، جکسون و میلیرون (۱۹۸۶)، کریچلر(۲۰۰۷)، تمکین مالیاتی را به عنوان تمایل مؤدی به رعایت قانون، اظهار درآمدها و هزینه‌ها به طور صحیح و پرداخت به موقع همه مالیات‌ها، تعریف می‌نمایند (پلیل،۲۰۰۱: ۸).

1. Game
2. Australian Tax Office (ATO)
3. Inland Revenue Board (IRB)

بنا بر نظر جیمز و آلی (۲۰۰۴)، عبارت تمکین مالیاتی را می توان از جنبه های متفاوتی از جمله، تمایل فرد و دیگر سازمانهای مشمول مالیات به عمل مطابق با اصول و قانون مالیاتی تعریف و تفسیر نمود. در این زمینه، مک بارنت (۲۰۰۳)، سه شکل تمکین بدون اجبار، تمکین از روی اجبار و تمکین نوآورانه را شناسایی می کند. تمکین بدون اجبار، تمایل نسبت به انجام تعهدات مالیاتی توسط مؤدیان مالیاتی بدون هیچ گونه امتناعی می باشد. درحالی که تمکین از روی اجبار، عدم تمایل نسبت به انجام تعهدات مالیاتی توسط پرداخت کننده مالیات می باشد و نیاز است اداره مالیاتی مؤدی را وادار به تمکین نماید و تمکین نوآورانه هر عملی را که توسط مودی به قصد کاهش مالیات از طریق تعریف مجدد درآمد و هزینه های مشمول مالیات در محدوده قانون انجام می پذیرد، در بر می گیرد. به گفته کریچلر (۲۰۰۷ تمکین ممکن است اختیاری باشد و یا تحمیل شود. تمکین اختیاری ممکن است از طریق اعتماد و همکاری متقابل بین سازمان مالیاتی و پرداخت کننده مالیات انجام شود. اگر چه وجود بی اعتمادی و عدم همکاری بین اداره مالیات و مؤدی، باعث ایجاد جوّ خصومت آمیز و ضد مالیاتی می شود که منجر به اعمال تمکین اجباری برای مؤدیانی که تمایلی به پرداخت مالیاتشان ندارند، از طریق تهدید و انجام بازرسی و سرانجام جریمه در جهت تمکین می گردد.

عدم تمکین مالیات عبارت از قصور مؤدی نسبت به انجام تعهدات مالیاتی از روی عمد و یا غیر عمد است. عدم تمکین به قوانین مالیاتی به شکل های متفاوتی صورت می گیرد. ممکن است عدم تمکین، عمدی باشد که مؤدی تعمداً قوانین و مقررات مالیاتی را به نفع خودش تفسیر می نماید، و یا عدم تمکین غیرعمدی باشد که ممکن است در نتیجه نادیده گرفتن و یا اشتباه در اعمال قوانین مالیاتی صورت گیرد.

هرگونه عمل غیر عمد توسط مؤدی مالیاتی، بدون اجبار تلقی می شود و در صورتی که نتایج اظهارنامه و گزارش سود مشمول مالیات منجر به هیچ گونه پرداخت مالیات نشود، از آن به عنوان فرار از مالیات یاد می شود. پس به طور کلی می توان گفت تمکین مالیاتی به مفهوم پایبندی مؤدیان به تکالیف مالیاتی و تمکین به قانون مالیاتی از سوی آنها می باشد و درجه تمکین مالیاتی معیار سنجش کارائی سیستم مالیاتی هر کشوری میباشد. (نگاره۲).

شکل۲- نمودار سلسله مراتبی تمکین و عدم تمکین مالیاتی

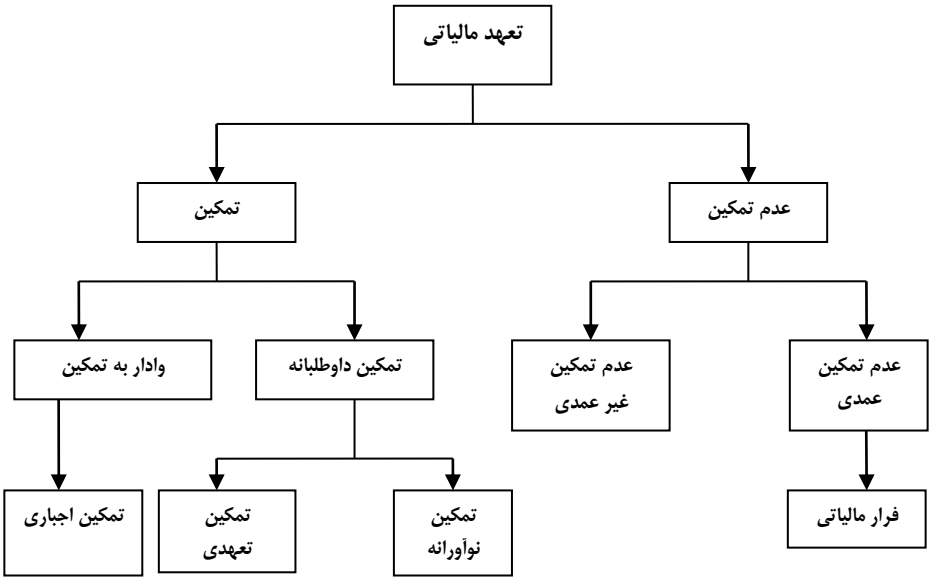

در این مقاله تمکین مالیاتی را به صورت پایبندی مؤدی به تکالیف و قوانین مالیاتی کشور و حسابرسی مالیاتی را ممیزی یا رسیدگی مالیاتی جهت تطبیق اطلاعات ارائه شده در اظهارنامه مالیاتی[1] با قوانین و مقررات، صورت‌های مالی، دفاتر و مدارک مؤدی و سایر بانک‌های اطلاعاتی تعریف می نماییم.

۲-۱- ۱- عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی

مکانیزم‌های مختلف روانی و رفتاری به عنوان عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی مؤدیان شناسایی شده اند: اول: تمکین مالیاتی به عوامل شخصی از قبیل جنس، سن و تحصیلات بستگی دارد. در مورد مالیات یک مؤسسه، نگرش‌های شخصی مدیر شرکت می‌تواند معنی دار باشد. همچنین عوامل ویژه شرکت از قبیل وضعیت صنعت، اندازه یا وضعیت مالی می‌تواند از عوامل قوی و مؤثر بر تمکین یا عدم تمکین باشند.

دوم: تمکین مالیاتی بستگی به درک انصاف و عدالت توسط مؤدی از سیستم مالیاتی دارد. هر یک از مؤدیان انصاف را در الف) سطح مالیات پرداختی؛ ب) رفتار سازمان مالیاتی با مؤدی در مقایسه با

1. Tax Return

دیگر مؤدیان یا به عبارتی، تبعیض مالیاتی؛ و ج) نحوه استفاده از وجوه عمومی توسط دولت، ارزیابی می نمایند. عامل آخر به طور بالقوه در کشورهای با سطوح پائین حاکمیت دولت و درجه قابل توجهی از فساد، قوی عمل می نماید.

سوم: انگیزه مشارکت بالقوه، به طور قابل توجهی می‌تواند تمکین مالیاتی و در نتیجه، پرداخت‌ها را افزایش دهد. به این معنی که در عمل رابطه اصطکاکی قوی در تمکین مالیاتی و پرداخت‌ها وجود دارد. در زمانی که عدم تمکین مالیاتی گسترده بوده و بوسیله مؤدیان درک شده است، مؤدی انگیزه قوی برای تمکین ندارد. در مقابل، هنگامی که تمکین جزو هنجارهای اجتماعی است، افراد تمایل بیشتر به تمکین مالیاتی دارند، چرا که می‌ترسند توسط همکاران خود به عنوان دروغگو شناسایی شده و در نتیجه احتمال تشخیص توسط سازمان مالیاتی خیلی بالا می‌باشد.

در برخی از مطالعات، عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی را به دو دسته عوامل اقتصادی و عوامل غیر اقتصادی طبقه‌بندی می‌نمایند. عوامل اقتصادی نظیر سطوح درآمد واقعی، نرخ مالیاتی، جرایم، احتمال ممیزی و ...، و عوامل غیراقتصادی نظیر درک مؤدی از انصاف سازمان مالیاتی، هنجارهای شخصی، نگرش‌های مالیاتی و ... می‌باشند.

پلیل و فریق مصطفی (۲۰۱۱)، معیارهای تمکین مالیاتی در کشور مالزی را بررسی و فاکتورهای احتمال ممیزی، درک مؤدی از چگونگی هزینه‌کرد توسط دولت، درک مؤدی از انصاف سیستم مالیاتی، جرایم مالیاتی، محدودیت بودجه‌ای مؤدی، تغییر در سیاست‌های دولت، نقش خانواده و نزدیکان مؤدی، نقش سازمان **و** دانش مؤدی را در تمکین مالیاتی مؤثر دانسته اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که دانش مالیاتی یک اثر معنی‌دار بر تمکین مالیاتی دارد، همچنین، به طور ویژه، تمکین مالیاتی تحت تأثیر احتمال حسابرسی، درصد مخارج دولت، جرایم ، محدودیت بودجه و اثرگذاری خانواده و نزدیکان مؤدی قرار می‌گیرد.

نمیروسکی و ویرینگ (۲۰۰۳)، نقش موسسات مالیاتی در تمکین مالیاتی را مورد ارزیابی قرار دادند و با استفاده از عواملی شامل رفتارها، ارزش‌ها، عقاید و گرایش، صلاحیت، انصاف، دانش مالیاتی، رضایت و نوع زندگی به طبقه بندی مؤدیان پرداختند و با استفاده از فاکتورهای تجربیات مؤدیان از خدمات سازمان مالیاتی استرالیا و میزان درک شان از پرکردن اظهارنامه مالیاتی توسط وکیل مالیاتی، نقش این گونه موسسات را در تمکین مالیاتی مورد سنجش قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که وکیل

مالیاتی نقش عمده ای در ارائه مشورت و توصیه‌های مالیاتی، تصحیح اظهارنامه مالیاتی و مدیریت ریسک برای به حداقل رساندن مالیات‌ها بر عهده دارد.

نیمروسکی و همکاران(۲۰۰۲)، نشان دادند که یک رابطه بین ارزش‌ها، عقاید، گرایش‌ها، دانش مالیاتی و رفتار تمکین مالیاتی واقعی وجود دارد و پیشنهاد کردند که ATO باید کمیته خدمات به ارباب رجوعان را تاسیس نموده و همکاری با موکلان مالیاتی را افزایش دهد و برنامه‌های آموزش مالیاتی شامل تلاش مالیاتی و مدیریت دارایی‌های مالی جهت بازپرداخت بدهی‌های مالیاتی را فراهم - کند.

آلابد و همکاران (۲۰۱۱a)، با استفاده از بسط مدل فیشر و ترکیب کیفیت خدمات اداره مالیاتی، کیفیت حاکمیت عمومی، تفاوتهای قومی و همچنین اثر تعدیلی شرایط مالی و اولویت ریسک را بر روابط بین نگرش مؤدیان و تمکین مالیاتی مورد ارزیابی قرار دادند. در این مقاله عوامل اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناسی و فرهنگی در یک مدل جامع آورده شده است و وضعیت مناسب و محیطی ویژه ای را برای بهتر فهمیدن رفتار مالیاتی مؤدیان حقیقی برمی‌شمرد.

همچنین آلابد و همکاران (۲۰۱۱b) در مقاله دیگری، با عنوان " نگرش و رفتار مؤدیان مالیاتی در نیجریه: نقش تعدیلی وضعیت مالی و ترجیح ریسک"، نگرش مؤدیان را به عنوان یک عامل مهم در رفتار تمکین مالیاتی در نظر گرفته و تأثیر وضعیت مالی و ترجیح ریسک را بر رابطه بین نگرش مؤدیان و رفتار تمکین مالیاتی ارزیابی می‌کنند.

هیون (۲۰۰۵)، تمکین مالیاتی را در کره و ژاپن با هم مقایسه کرد و دریافت که ژاپن سطح بالاتری از سیاست‌ها را هم در ممیزی مالیاتی و هم در ساختار جریمه نسبت به کره دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که ژاپن نسبت به کره، سطح بالاتری از فرهنگ مالیاتی را داراست و سیستم قانونی بیشترین اهمیت را در فاکتورهای تعیین سطح فرهنگ مالیاتی نسبت به دیگر بخش‌های دولتی دارد.

کریچلر و همکاران (۲۰۰۷)، در مقاله دیگری تحت عنوان "چرا مالیات می‌پردازیم؟ نگاه اجمالی به تصمیمات تمکین مالیاتی"بیان می کنند که در یک جوّ بی اعتمادی، فشار زیاد سازمان مالیاتی از طریق وادار کردن به تمکین مالیاتی، افزایش جرایم و احتمال ممیزی ممکن است یک سیاست مالیاتی مؤثر باشد. اما در جوّی که مؤدیان به سازمان مالیاتی اعتماد دارند، متغیرهای دیگری نیز از اهمیت برخوردارند. دانش، گرایشات، اخلاق، انصاف و دموکراسی ممکن است منجر به تمکین داوطلبانه شود. در این مورد، جرایم بالا و ممیزی‌های سرزده می‌تواند منجر به اثرات غیر عمدی شود و طرز فکر مالیاتی را عوض نماید (و منجر به عدم تمکین مالیاتی شود).

حاصل این تحقیقات، طبقه بندی عوامل یا فاکتورهای مؤثر بر تمکین و یا عدم تمکین مالیاتی ناشی از رویکردها و تجربیات کشورها در قالب عوامل مرتبط با وضعیت واحد تجاری، عوامل صنعت، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی و عوامل روان شناسی خواهد بود و این عوامل می‌تواند به عنوان متغیرهای توضیحی مدل ممیزی مبتنی بر ریسک تمکین باشد (جدول ۱).

جدول(۱)- عوامل تأثیر گذار بر تمکین مالیاتی مؤدیان

طبقه بندی مدل	ویژگی های عمومی
وضعیت واحد تجاری	ساختار(مالکیت انفرادی، شرکت تضامنی، شرکت، موسسه امین(سپرده‌پذیر))، اندازه و عمر واحد تجاری، نوع فعالیت‌های انجام شده، تمرکز(محلی یا بین المللی)، اطلاعات مالی(سرمایه‌گذاری)، واسطه‌های کسب وکار
عوامل صنعت	تشریح و اندازه صنعت، شرکاء عمده در صنعت، حاشیه سود، ساختار سرمایه، قوانین صنعت، الگوهای کار، مسائل مربوط به صنعت (سطح رقابت، عوامل فصلی و مسائل مربوط به زیر ساخت‌ها)
عوامل اجتماعی	هنجارهای فرهنگی، پیشینه قومی، نگرش به دولت، سن، جنس و سطح تحصیلات
عوامل اقتصادی	سرمایه‌گذاری، نرخ بهره دموگرافیک، نظام مالیاتی، دولت، سیاست، نفوذ بین‌المللی، تورم و بازارها
عوامل روانشناسی	حرص و آز، خطر، ترس، اعتماد، ارزشها ، انصاف و عدالت، فرصت فرار

منبع: برگرفته از کتاب حسابرسی مالیاتی میتنی بر ریسک: رویکردها و تجربیات کشورها از انتشارات بانک جهانی

۲-۲- نقش حسابرسان

حسابرسی‌های انجام گرفته توسط حسابرسان یا ممیزان، برای شناسایی و کشف موارد عدم تمکین مالیاتی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. حسابرسی های مذکور به صورت مستقیم بر تمکین مالیاتی و جمع‌آوری درآمدها تأثیر می گذارند و تمکین داوطلبانه را بوسیله افزایش احتمال شناسایی و اعمال جرایم برای مؤدیانی که تمکین نمی کنند (مقررات گریز) ارتقاء می‌دهد. این تأثیر به طراحی درست استراتژی انتخاب حسابرسی با تمرکز بر مؤدیان با ریسک بالا بستگی خواهد داشت. همچنین حسابرسی ها فراهم کننده یک فرصت خوب برای سازمان مالیاتی خواهد بود تا مؤدیان در تعهدات حقوقی یا نیازهای حسابداری و دفترداری خود آموزش دیده و از این طریق، شاهد بهبود تمکین مالیاتی درآینده باشیم. علاوه بر این، حسابرسی ها، فرصت‌های منحصر به فردی را برای سازمان مالیاتی برای

جمع‌آوری اطلاعات در دو بخش سلامت سیستم مالیاتی (توسط اندازه‌گیری سهم مؤدیان مقررات گریز و مالیاتهای پرداخت نشده) و تکنیک‌های فرار مالیاتی توسط مؤدیان فراهم می نماید.

۲-۳-ملاحظات سازمانی

همان‌طور که در شکل ۳، نشان داده شده است، یک نکته کلیدی برای اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی-های حسابرسی مبتنی بر ریسک تمکین، عبارت است از تفکیک فرایند انتخاب مؤدیان برای حسابرسی از فرایند اجرای حسابرسی(تفکیک کارکرد انتخاب از کارکرد حسابرسی).

شکل ۳- تفکیک فرایند انتخاب مؤدیان برای حسابرسی از فرایند اجرای حسابرسی

الف) حسابرسی سنتی

ب) حسابرسی مبتنی بر ریسک

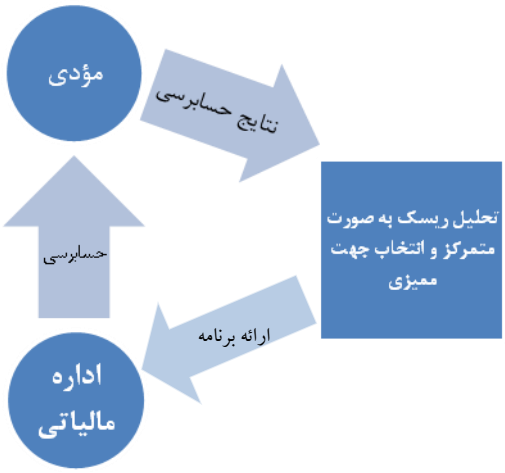

در راهبرد حسابرسی مبتنی بر ریسک باید به "برنامه جبران خدمت حسابرسان" مورد استفاده سازمان مالیاتی توجه ویژه‌ای شود. تجارب بین‌المللی نشان‌دهنده این واقعیت است که حق‌الزحمه حسابرسان نباید به طور مستقیم به حجم اصلاحات حسابرسی پیوند داده شود و نباید جرایم نیز بدان وسیله افزایش یابد. همانطور که اغلب موارد، در روش‌های حسابرسی سنتی، بر خلاف روش های حسابرسی مبتنی بر ریسک مشاهده می‌گردد، که پاداش‌ها به صورت خودکار بر اساس نتایج حسابرسی پرداخت می‌گردند، در این صورت حسابرسی جانبدارانه و در نتیجه بر ضد مؤدیان بوجود خواهد آمد و این امر، باعث تضعیف درک انصاف و عدالت در سیستم مالیاتی که بسیار مورد نیاز است، خواهد - گردید. علاوه بر این، در محیط هایی که کارکرد انتخاب حسابرسی به اندازه‌کافی از کارکرد اجرای حسابرسی تفکیک نشده است(روش سنتی حسابرسی)، این موضوع بر چگونگی انتخاب مؤدی نیز تأثیرگذار خواهد بود و انتخاب مؤدی با هدف افزایش حداکثری پاداش حسابرسان انجام خواهد گرفت. تفکیک این دو کارکرد، منافع مهم زیر را به ارمغان خواهد آورد:

- کمک خواهد نمود تا با تضاد منافع و فساد در میان بازرسان و ارتباط آنها با مؤدیان مبارزه شود (جانبداری بازرسان از پرداختها و یا حمایت از فساد مؤدیان در مقابل حسابرسی).
- نتیجه این تفکیک، صرفه جویی ناشی از مقیاس و منافع ناشی از تخصص خواهد بود. کارکرد انتخاب معمولاً در سطح منطقه ای یا ملی متمرکز است و کارکرد بازرسی یا حسابرسی در دست بازرسانی است که بهتر در حسابرسی آموزش دیده باشند.

۲-۴- طراحی استراتژی حسابرسی

استراتژی حسابرسی مؤثر و کارآمد بر اساس چندین جنبه حیاتی از قبیل برنامه‌های آموزشی و انگیزشی برای بازرسان مالیاتی، عملکرد فناوری اطلاعات و کافی بودن چارچوب قانونی برای حسابرسان می‌باشد. نگرش مؤدیان نسبت به تمکین از اهمیت بالایی برخوردار است (شکل ۴). در حقیقت، اعمال یک استراتژی تمکین توسط سازمان مالیاتی، عکس‌العمل متناسب با سطح ریسک تمکین هر مؤدی می‌باشد (نظیر مکاتبه، اخطار، اعتماد به خود اظهاری ، حسابرسی محدود و حسابرسی جامع).

شکل۴- طراحی یک استراتژی ممیزی مبتنی بر ریسک تمکین

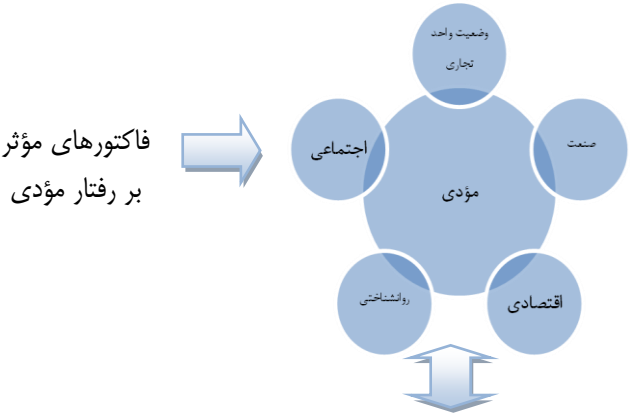

نمره	استراتژی تمکین(توسط سازمان مالیاتی)	زیاد	استراتژی فشار	گرایش به تمکین(توسط مؤدی)
۱۰- ۸	استفاده از اجبار قانونی			تصمیم به عدم تمکین
۸- ۵	اخطار و تذکر بابت کشف			تمکین مالیاتی را نمی خواهد، اما اگر به فرد اخطار شود، تمکین مالیاتی خواهد داشت
۵- ۲	کمک به تمکین	کم		تلاش می کند تمکین نماید، اما همیشه موفق نمی شود
۲- ۰	تسهیل تمکین داوطلبانه			حاضر به تمکین مالیاتی می باشد

منبع: سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی، ۲۰۰۴

یکی از جنبه‌های طراحی استراتژی حسابرسی، روش‌های مورد استفاده برای انتخاب مؤدیان می‌باشد که در این زمینه، مهمترین روش های مورد استفاده توسط سازمان مالیاتی جهت انتخاب مؤدیان برای ممیزی به شرح زیر می باشد:

- انتخاب دستی:

این روش هرچند مزایای غیر قابل انکاری از قبیل استفاده از دانش محلی و غیر رسمی داشته و مورد علاقه حسابرسان بوده و نیز نیاز محدود به پردازش داده‌ها دارد، اما بسیار چالش برانگیز است زیرا:

به وضوح خطر فساد را افزایش می‌دهد.

- نظام دستی در مقابل نظام سیستمی خواهد بود و در این صورت، حسابرسان، برخی جنبه‌های عدم تمکین را فراموش می کنند و هیچ تلاشی جهت کشف الگوهای مخفی شده در سابقه عدم تمکین در برخی زمینه‌های مشابه، بخش ها یا در ویژگی‌های سایر مؤدیان مالیاتی، انجام نمی دهند.

- به طور مشابه، اگر فرایند غربالگری به شدت دستی باشد، حسابرسان اغلب تنها از داده‌های داخل استفاده می‌کنند (داده‌های صادرشده توسط خود سازمان مالیاتی) و احتمالاً از اطلاعات مناسب از طریق داده‌های خارجی غفلت می ورزند (از جمله گمرکات و یا سایر ادارات مالیاتی).

- انتخاب تصادفی:

در این روش، مؤدیان به صورت تصادفی جهت حسابرسی انتخاب می‌شوند و استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای در بسیاری از کشورها فراگیر شده است. در این روش، مؤدیان بر اساس معیارهایی از قبیل اندازه، جنسیت، نوع مالیات، طبقه‌بندی شده و سپس یک نمونه از هر طبقه انتخاب می‌گردد. انتخاب تصادفی از چندین مزیت قابل توجه برخوردار است:

الف) به سازمان مالیاتی این امکان را می‌دهد که با اطلاعات مربوط در مورد تمکین و جنبه‌های دیگری از رفتار مؤدیان بدون جانبداری در انتخاب ممیزی، حسابرسی را انجام دهد. انتخاب تصادفی روش خوبی برای جمع‌آوری داده‌ها و ارتقاء دانش در سازمان های مالیاتی می باشد.

ب) استراتژِی انتخاب منصفانه است چرا که همه مؤدیان در طبقه مشابه، احتمال مساوی جهت انتخاب برای ممیزی را دارند. همچنین روش انتخاب تصادفی خطرات ناشی از فساد و انتخاب خودسرانه را در مقایسه با روش غربالگری دستی کاهش می‌دهد. با این حال، انتخاب تصادفی یک مشکل عمده دارد و که آن هزینه فرصت بسیار بالا است. ممیزی مؤدیان بوسیله روشهای متمرکز بر مؤدیان با ریسک بالا و یا حتی ممیزی بوسیله روش انتخاب غربالگری دستی درآمد بالاتری را نسبت به روش انتخاب تصادفی دارند (حتی با طبقه‌بندی)، در نتیجه ممیزی تصادفی تأثیر کمتری بر درآمدهای مستقیم و احتمالاً بر عوامل بازدارنده عدم تمکین مالیاتی دارد.

●انتخاب مبتنی بر ریسک:

اکثر سازمان‌های مالیاتی استراتژی‌های ممیزی خود را براساس تمرکز بر ریسک های عدم تمکین مؤدیان، گسترش داده‌اند (سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی، ۲۰۰۶). تجربه نشان داده است که یک استراتژی انتخاب ممیزی کارآمد، باید مؤدیانی را که به احتمال زیاد تمکین نمی کنند (مقررات گریز) می باشند را شناسایی کند چرا که احتمال تحصیل مبالغ درشت از طریق اصلاحات حسابرسی و جرایم از این گونه افراد بیشتر است. در این راستا بسیاری از سازمان‌های مالیاتی استراتژیهای ممیزی خود را بر پایه روش‌های نمره دهی بر مبانی ریسک توسعه داده‌اند. در یک سیستم نمره‌دهی ریسک از مشخصات و ویژگیهای مؤدی، جهت شناسایی و ارزیابی ریسک تمکین استفاده می‌شود. سیستم، ریسک اطلاعات و نحوه رعایت و تمکین مؤدی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. چنانچه ریسک از آستانه از پیش تعیین شده پائین تر باشد، یک ارزیابی خودکار انجام پذیرفته و برگ تشخیص صادر می گردد و چنانچه بیش از آستانه باشد، مؤدی برای حسابرسی و بازنگری به صورت دستی انتخاب می گردد (انتخاب جهت حسابرسی مبتنی بر ریسک) و پس از حسابرسی و بررسی های لازم، برگ تشخیص صادر و ابلاغ می شود. این روش به شرح زیر انجام می‌شود و ابتدا یک نمره به هر مؤدی بر اساس موارد زیر داده می‌شود:

الف) ویژگی های خاص (اندازه، صنعت، سابقه تمکین).

ب) دانش کسب شده در طول حسابرسی های قبلی.

این روشها سازمان مالیاتی را قادر می‌سازد پروفایل‌هایی از مؤدیان بسازند و کسانی که با احتمال زیاد قوانین مالیاتی را تمکین نمی کنند، را شناسایی نمایند.

این استراتژی ضمن ارائه اطلاعاتِ آگاهی بخش برای سازمان مالیاتی و روش آماری قوی، در بخش سیستم هایIT و داده، هزینه بر است و به طور معمول در کشورهای توسعه یافته با اتکا به موارد ذیل اجرا می گردد:

الف) وجود مقدار قابل توجهی از داده های با کیفیت (داخلی و خارجی به سازمان مالیاتی) در هر دو مورد حسابرسی گذشته و ویژگی های مورد حسابرسی فعلی (حسابرسی شده یا نشده).

ب) وجود سیستم های فناوری اطلاعات (سخت افزار، نرم افزار و آموزش) برای پردازش داده ها و ارائه نمره و دادن اطلاعات لازم جهت برنامه ریزی حسابرسی.

به دلایل فوق، اجرای انتخاب حسابرسی بر مبنای ریسک می‌تواند با تجهیزات ضعیف کشورهای در حال توسعه همراه با فقر اطلاعاتی، چالش‌زا باشد، البته این بدان معنی نیست که مطلوب و یا امکان‌پذیر نباشد (سلطان خواجه، ۲۰۱۱).

۳- تکنیک های ارزیابی حسابرسی مبتنی بر ریسک

- تطبیق اطلاعات

اولین روش شناسایی مؤدیانِ پر خطر در استراتژی انتخاب برای حسابرسی بر مبنای ریسک، تطبیق اطلاعات برگرفته از اظهارنامه مالیاتی است. این روش، مستلزم تجزیه و تحلیل سازگاری اظهارنامه مالیاتی با اطلاعات ثبت شده درگمرک، بانکها و شرکتهای بیمه و دیگر اظهارنامه های مؤدیان می باشد. در مقایسه با روش های بررسی شده دیگر، این روش به دنبال پیدا کردن موارد فرار مالیاتی نیست، بلکه به دنبال ردیابی عوامل عدم تمکین مالیاتی می باشد.

- کاربرد اطلاعات گمرکی

از آنجایی که شرکت ها هنگام صادرات و واردات، اطلاعات جامع تری به گمرک می دهند، اطلاعات گمرکی معمولاً فراگیرتر از اسناد مالیاتی داخلی می باشد. اگر سیستم تعیین هویت مالیات دهندگان در مکان باشد و به وارد کنندگان دستور داده شده باشد که شمارهٔ شناسایی برای خودشان تهیه کنند، ماموران مالیاتی به راحتی میتوانند شرکت های(تجار) ثبت نشده را بر اساس اسناد گمرکی بیابند.

یکی دیگر از اطلاعات گمرکی، هزینه های معافیت مالیاتی و مالیات بر درآمد شرکت می باشد. افرادی که مالیات نمی دهند با انگیزه عدم تمکین مالیاتی روبرو هستند از یک طرف ارزش کالای وارد شده به گمرک را کم گزارش می دهند تا عوارض گمرکی کمتری دهند و هنگام پرداخت مالیات بر درآمد، قیمت همان کالا را ماکزیمم گزارش می دهند تا مالیات کمتری پرداخت کنند. سازمان مالیاتی و گمرک به وضوح برکنترل این دو منابع توجه قوی دارند.

- مثال های دیگری از تطبیق اطلاعات

تطبیق اطلاعات برای تحلیل مالیات بر ارزش افزوده از طریق بررسی اطلاعات بانکی روی کارت اعتباری در مقابل برگشت های ثبت شده مالیات بر ارزش افزوده توسط فروشنده انجام می شود. اگر اختلاف های قابل توجهی پیدا شود، فروشنده اولین کاندیدای حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده

می‌شود. معمولاً مالیات بر ارزش افزوده برگشتی از طرفین معامله را می توان در هر زمان با یکدیگر مقایسه کرد. فروشنده و خریدار معمولاً انگیزه خودخواهانه جهت حداقل کردن تعهدات مالیات خود را دارند. فروشنده انگیزه لازم را برای کمتر نشان دادن اعتبارات مالیات بر ارزش افزوده را دارد و خریدار دارای انگیزه جهت بیشتر نشان دادن بدهی مالیات بر ارزش افزوده را دارا می باشد. سازمان مالیاتی باید اطلاعات دو طرف مبادله را با یکدیگر مقایسه کند. البته تطبیق مقطعی معاملات مالیات بر ارزش افزوده تنها وقتی که سازمان مالیاتی به طور کافی اطلاعات پیچیده را در اختیار داشته باشد با استفاده از فناوری اطلاعات امکان پذیر می باشد. تطبیق اطلاعات می تواند حتی به طور ساده برای دیگر روش های مالیاتی مفید باشد. مالیات بر درآمد سرمایه، داده های بانک بر اساس نرخ بهره و درآمدهای دیگر می تواند با اطلاعات درآمد مالیاتی بدست آمده از اظهارنامه مالیاتی تطبیق داده شود. به طور مشابه اطلاعات مربوط به ممیزی عواید و ثبت اراضی و املاک و شرکت های بیمه می تواند برای بررسی اظهارنامه های مالیاتی و درآمدهای واقعی املاک و مستغلات مورد استفاده قرار گیرد.

۴- روشهای آماری ارزیابی ریسک

عموماً قواعد ارزیابی ریسک از چهارچوب زیر پیروی می کند:

- متغیر وابسته عدم تمکین مالیاتی را اندازه گیری می نماید. این متغیر می تواند هم به صورت گسسته و طبقه ای (برای نمونه تمکین کامل یا کمتر از آن) یا پیوسته (به عنوان مثال بازده مورد انتظار از یک حسابرسی فرضی در طول اصلاحات مالیاتی و اعمال مجازات های مربوطه) باشد.
- چندین متغیر برونزا (مستقل یا توضیحی) که به احتمال زیاد بر متغیر وابسته تأثیر می گذارند. به عنوان مثال تمکین مالیاتی می تواند توسط نوع صنعت، اندازه شرکت، تعداد کارگران، سابقه مالیاتی و غیره تحت تأثیر واقع شود.

الگوهای نشان داده شده زیر در یافتن بهترین رابطه آماری بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی کمک می نمایند. این روشها می توانند دو نوع باشند:

۱)پارامتریک؛ ۲) نا پارامتریک.

۴-۱- الگوهای پارامتریک برای درجه بندی ریسک

الگوهای پارامتریک به طور وسیع توسط سازمان مالیاتی مورد استفاده قرار می گیرند و مورد توجه تحقیقات جدید نیز بوده اند. دو گروه از تکنیکها در سطح وسیع استفاده شده اند: تجزیه و تحلیل رگرسیونی(خطی یا لجستیک) و آنالیز تفکیک کننده[1] این روشها عبارتند از:

الف) مدل رگرسیون خطی: در زمانی که متغیر وابسته پیوسته است، این مدل متداول ترین تکنیک جهت پیش بینی می باشد. این مدل استاندارد است و در انتخاب مؤدی جهت حسابرسی، متکی بر تکنیک ها و نتایج روشن و آشکار کاربرد دارد و به صورت زیر نوشته می شود:

$$Y^i = \beta_0 + \beta_1 X_1^i + \ldots + \beta_n X_n^i + \varepsilon^i$$

که در آن Y^i نتیجه مورد انتظار حسابرسی مؤدی i به واحد پول، $(x^i_1, x^i_2, \ldots x^i_n)$ متغیرهای رفتاری، $(\beta_0, \beta_1, .. \beta_n)$ پارامترها و ε^i جزء خطا می باشد. گسسته یا پیوسته بودن متغیرهای مستقل، انتخاب برآوردگر را تحت تأثیر قرار نمی دهد و فقط بر مقدار و نتایج تخمین زده شده پارامترهای مدل اثر می گذارد.

ب) رگرسیون لجیستیک: رگرسیون لجیستیک به طور گسترده ای در پیش بینی احتمال باینری (دو دویی) یا بیشتر برای متغیر گسسته مثل مشتریان خوب یا بد و یا تمکین مالیاتی یا عدم تمکین مالیاتی مؤدیان می باشد. این مدل بیشتر در بانکداری به منظور برآورد درجه اعتباری مشتریان استفاده می شود. متغیر وابسته، احتمال وقوع متغیر Y گسسته بوده و مدل به صورت زیر نوشته می شود:

$$P(Y = 1/X) = \frac{e^{\beta X + \varepsilon}}{1 + e^{\beta X + \varepsilon}}$$

ج) آنالیز تفکیک کننده: سرویس درآمد داخلی آمریکا از این مدل در چهل سال گذشته از میان سایر مدلها استفاده کرده است. اگر چه انواع مختلف آنالیز تفکیک وجود دارد، اما استفاده از آنها بستگی به مفروضات اساسی تابع آماری مورد استفاده، دارد و مدل فیشر متداولترین روش می باشد. مدل فیشر در تخمین نتایج طبقه ای استفاده می شود (به عنوان مثال سطح عدم تمکین مالیاتی) و

1. Discriminant Analysis

پارامترهای β را نیز تخمین می زند. یک وجه از این رویکرد این است که متغیر وابسته در آن به عنوان نمره[1] تعریف می شود نه به عنوان یک احتمال.

۴-۲- تکنیک های ناپارامتریک (داده کاوی[2]): داده کاوی در طول یک دهه اخیر با پیشرفت در فناوری اطلاعات و افزایش رو به رشد مجموعه داده های بزرگ کاربرد فراوانی یافت.

داده کاوی عبارت است از بررسی خودکار و تجزیه و تحلیل مقادیر زیادی از داده ها که به کشف رابطه معنی دار و قوانین بین داده ها می پردازد. روش داده کاوی وقتی که تعداد داده ها بسیار زیاد باشد، کارآمدتر است در مقایسه با مدلهای اقتصاد سنجی سنتی. هیچ پارامتری همانند آنچه که در مدلهای اقتصادسنجی سنتی است، در روش داده کاوی به عنوان متغیر برونزا تخمین زده نمی شود. داده کاوی در بعضی بخش ها استفاده می شود:

۱. تجارت، برای شناسایی مشتریان و بخش بازار؛
۲. آمار زیستی، برای شناسایی گروه های در معرض ریسک در نتیجه عکس العمل رفتارشان؛
۳. بانکداری و بیمه، برای انتخاب مشتریان؛
۴. سازمان مالیاتی، جهت هدایت استراتژی حسابرسی.

اگرچه داده کاوی اغلب به عنوان جایگزینی برای روشهای سنتی تخمین پارامترها استفاده می شود، اما گاهی اوقات استفاده از هر دو روش برای تخمین، توصیه می گردد. در چارچوب سازمان مالیاتی، داده کاوی برای اولین بار در بدست آوردن اطلاعات از چندین پروفایل مؤدی و ظاهر سازی متغیرهای برونزای مربوطه (شامل عوامل تعیین کننده تمکین مالیاتی) استفاده شد. روشهای پارامتریک نمره دهی را می توان در گام دوم برداشت و توسط داده کاوی متغیرها در پیش بینی معادلات تمکین مالیاتی و نتایج ممیزی استفاده نمود.

الف) درخت تصمیم گیری[3]: این روش گروههایی از افراد یا شرکتها را مشخص می کند که در متغیرهای از پیش تعریف شده همگن هستند و بر مبنای یک الگوریتم با معیارهای مستقل جهت شناسایی گروهها، پایه ریزی شده است. برای نمونه تکنیک CART[4] یکی از رایج ترین تکنیک

1. Score
2 . Data Mining
3. Decision Tree
4 . Classification and Regression Tree

های شناسایی شده است که گروه ها را بوسیله حداقل سازی شاخص ضریب جینی که توسط انحـراف آماری برون گروهی اندازه گیری می شود، شناسایی می کند.

ب) شبکه های عصبی[1]: این تکنیک مشابه درخت تصمیم‌گیری است و به ایـن معنـا کـه بـه دنبال شناسایی گروه های مشابه و هم جنس بر مبنای یک مجموعـه از متغیرهـا و معیارهاسـت، بـه هرحال احتیاج به سلسله مراتب در متغیرها به شکل قدرتمند وجود ندارد (ماننـد شـاخه هـا در درخـت تصمیم). یک گره در شبکه عصبی می تواند توسط چندین متغیر تعیین شود. در یـک درخـت تصـمیم، یک گره فقط یک متغیر را توضیح می دهد.

ج) تحلیل خوشه بندی[2]: یکی دیگر از روشهای تقسیم بندی داده ها، کـه بـه طـور همزمـان چندین متغیر توضیحی ممکن را در طول فرایند تقسیم بندی تجزیه و تحلیل می کند (برخلاف درخت تصمیم گیری که فقط یک متغیر برای هر شاخه وجود دارد). دو معیـار تقسـیم بنـدی معمـولاً بـرای تعریف خوشه ها استفاده می شود: (الف) واریانس درون خوشه حداقل شـده باشـد؛ (ب) واریـانس بـین خوشه ها حداکثر شده باشد. یکی از محدودیت های الگوریتم خوشه ای استاندارد این است کـه تعـداد خوشه ها برون زاد است. شکل ۵، طرح کلی هر روش را برای یک مدل ساده بـا دو متغیـر توضـیحی نشان می دهد.

شکل ۵- طرح کلی سه تکنیک داده کاوی برای یک مدل ساده با دو متغیر توضیحی

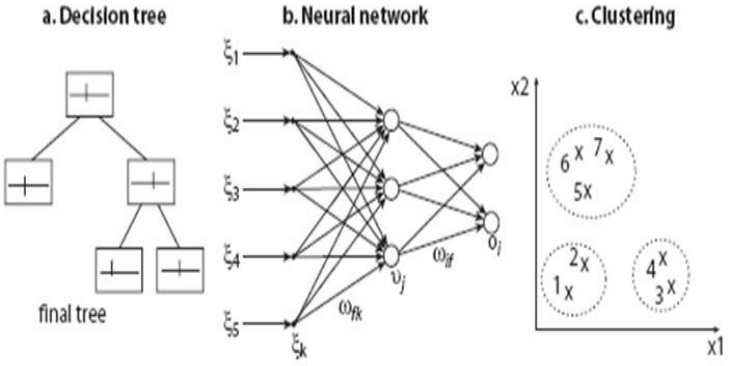

Source: Ze 2003.

1. Neural Network
2 . Clustering

۴-۳- انتخاب بهترین تخمین گر: ماتریس ابهام[1]

چگونه از بین تکنیک های بالا بهترین گزینه را انتخاب کنیم؟ در بسیاری از شاخص های آماری مناسب و خوب سنتی، سازمان مالیاتی ترجیح می دهد از ماتریس ابهام استفاده کند. همان طور که جدول۲ نشان می دهد بر اساس این ماتریس، محاسبه چند معیار امکان پذیر می شود:

میزان دقت: Total/ (TN+TP)، که درصد موارد پیش بینی شده درست توسط مدل را اندازه گیری می کند.

قدرت پیش بینی: TP/ (TP+FN)، که درصد موارد عدم تمکین مالیاتی که به درستی توسط مدل پیش بینی می گردد، را اندازه گیری می کند.

نرخ برخورد : TP/ (TP +FP) ، که درصد موارد عدم تمکین مالیاتی را که به احتمال زیاد در صورت حسابرسی فرار مالیاتی پیش بینی شده، نمایان می شود، را اندازه گیری می کند.

با کمی دقت به دو معیار آخر مشخص می گردد که قابلیت پیش بینی باید در جهت بهبود نرخ برخورد کاهش یابد و بالعکس.

جدول (۲)- ماتریس ابهام

واقعی	پیش بینی شده	
	تمکین مالیاتی	فرار مالیاتی
تمکین مالیاتی	عدم پذیرش درست(TN)	پذیرش غلط(FP)
فرار مالیاتی	عدم پذیرش غلط(FN)	پذیرش درست(TP)

۵- طبقات مختلف مؤدیان و مدیریت ریسک آن‌ها

تفکیک طبقه‌های مختلف از مؤدیان، اولین گام حساس در تحلیل محیط ریسک و در نتیجه مدیریت ریسک می‌باشد. در واقع فهم طبقات مختلف مؤدیان اجازه می‌دهد تا مقامات مالیاتی، استراتژی‌های مؤثر و هدفمندی را برای تمکین مالیاتی ارائه دهند تا مناسب ترین عکس‌العمل برای ریسک‌های درآمدی و بهترین پاسخ به خدمات مورد نیاز مؤدیان فراهم گردد. تجربیات بین‌المللی نشان می‌دهد، تعداد اندکی از شرکت‌های بزرگ (کمتر از یک درصد) مسئول تأمین ۷۰-۶۰ درصد مجموع مالیات داخلی هستند. در حالی که تعداد بسیار زیادی از شرکتهای کوچک، مسئول تأمین ۱۰-۵ درصد مجموع

1. Confusion Matrix

مالیات داخلی هستند و بین این دو طبقه، شرکت‌های متوسط مسئول تأمین ۳۰-۲۰ درصد مجموع مالیات هستند(شکل ۶) و این گونه توزیع مؤدیان در بیشتر کشورها مشابه است.

شکل۶- سهم طبقات مختلف مؤدیان از درآمدهای مالیاتی

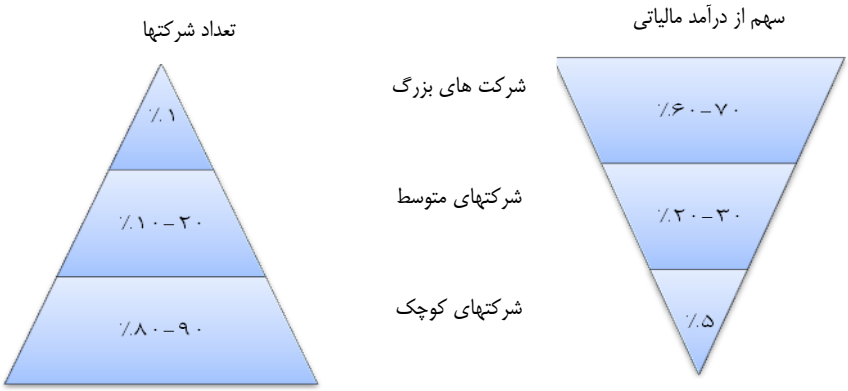

۵-۱- ریسک در شرکتهای بزرگ

اعتقاد بر این است که حاکمیت شرکتی در سیاست های مالیاتی ایفای نقش می نماید و در خصوص ارتباط بین مالیات و حاکمیت شرکتی، می توان این گونه نتیجه گرفت که شرکت ها تمایل به کاهش بدهی مالیاتی خود دارند (تیموتی،۲۰۱۰). ازآنجایی که شرکت به عنوان یک شخصیت حقوقی، یک مؤدی مالیاتی منحصر به فرد است سارتوری(۲۰۰۸) به نقل از پروفسور اسچون شرکت را مؤدی مالیاتی تعریف می نماید که وجود خارجی ندارد، و محور اصلی تحلیل ها پیرامون موضوع تمکین مالیاتی را بر اساس بررسی ارتباط متقابل بین حاکمیت شرکتی در شرکتها و وضع مالیات می داند.

اگر عوامل حاکمیت شرکتی که مبانی نظری آن اذعان به رعایت حقوق کلیه ذی نفعان دارد، در شرکت وجود داشته باشد، انتظار می رود مالیات ابرازی که باید طبق قوانین و مقررات شناسایی و در اظهارنامه مالیاتی ابراز شود، بر مالیات تشخیصی و قطعی توسط ماموران مالیاتی که آن هم طبق قوانین و مقررات تعیین می شود، تا حدود زیادی منطبق باشد و در نتیجه می توان گفت این گونه عوامل در ارزیابی و تحلیل ریسک تمکین مؤدیان بالاخص شرکتهای بزرگ که قاعدتا باید در آنها کیفیت حاکمیت شرکتی بالاتری را شاهد باشیم، مؤثر می باشند. اساساً مؤدیان بزرگ موقعیت های مالیاتی پیچیده ای هم دارند. ممکن است اگر به طور مناسبی مدیریت نشوند حتی به افزایش ریسک

نیز بیانجامد. این موضوع می تواند نتیجهٔ چند عامل باشد: الف) فعالیتهای جهانی شامل تجارت گسترده و پیچیده و معاملات خارجی؛ ب) استفاده از روشهای تامین مالی پیچیده؛ ج) معاملات چند جانبه ای که اغلب منجر به افزایش مسائل پیچیده ای از تفسیر های قانونی می گردد؛ د)حجم زیاد معاملات و نفوذ آن در فعالیتهای گوناگون شرکت؛ ه) معامله با گروههای وابسته که مسائل قیمت گذاری انتقالی را افزایش می دهند.

در خصوص مؤدیان بزرگ، ماهیت ریسک نیاز به یک عکس العمل و رفتار ویژه را ایجاب می نماید. عموماً در مفهوم فرار مالیاتی این طبقه (مؤدیان بزرگ)، یک طبقه با ریسک پائین است و در مفهوم اجتناب مالیاتی، یک طبقه با ریسک بالا محسوب می گردد. غالباً معاملات مؤدیان بزرگ در یک ناحیه غیر شفاف بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی در نتیجه استفاده از طرح‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، قرار می‌گیرد. در نتیجه سازمان‌های مالیاتی نوین، به طور منظم با این طبقه از مؤدیان به عنوان بخشی از استراتژی‌های کاهش ریسک در تقابل می‌باشند. بسیاری از کشورها ترتیبات خاصی را جهت اجرا و مدیریت تمکین مؤدیان بزرگ، برقرار نموده‌اند. یک مدل سازمانی رایج این است که واحد مؤدیان بزرگ مالیاتی با چند کارکرد از ثبت‌نام، مدیریت حساب و خدمات مؤدی تا پردازش اطلاعات، حسابرسی و وصول بدهی‌ها و اجرا را شامل گردد.

۵-۱-۱- ماهیت ریسک مالیات برای شرکتهای بزرگ

موسسات تجاری همچنین باید دامنه گسترده‌ای از ریسک‌ها را موازنه نمایند، که مالیات یکی از آنها است. برای بیشتر شرکت‌های تجاری، صورتحساب مالیاتی می‌تواند به تنهایی از بزرگترین پرداخت-های آنها باشد. مقامات مالیاتی و شرکتها ممکن است، در برنامه کاری خود اولویت‌بندی و هماهنگی نداشته باشند و این که چه زمانی این تضاد اتفاق می‌افتد، برای هر دو طرف با اهمیت است. نیروهای درونی و بیرونی زیر ممکن است ریسک های مالیاتی را به وجود بیاورند:

* نیروهای بیرونی مانند جهانی شدن و پیچیدگی اقتصاد بین المللی، تغییر در نیروهای نظم‌دهنده بازار و عوامل تبلیغاتی و سیاستهای مالیاتی دیگر.

* استراتژی های مالیاتی شرکت، شامل دامنه و ماهیت برنامه مالیاتی و سطح افشاء یا هماهنگی با مقامات مالیاتی.

* پیچیدگی درساختارهای شرکت، فشارهای وارده بر سیستم ها و فرآیندهای تجاری و ضعف در اجرا و توسعه.

* شکاف در توانایی مقامات مالیاتی برای درک مشتریان و عدم توانایی در تصمیم گیری درست و پایدار.

تمام این موارد زمینه تجاری برای مشتریان شرکت های بزرگ را تغییر می دهد و یک محیط دائمی متغیر را برای مالیاتها به وجود می آورد. علی رغم این، هیچ رابطه همبستگی مستقیمی بین سطح ریسک و مقدار مالیات وجود ندارد و بجای آن، فاکتورهای دیگری، همچون سابقه تمکین، طبقات مختلف صنعت و نگرش مؤدی همچنین در سطح ریسک می تواند دخالت داشته باشد. علاوه بر این، بعضی از ریسک ها کلی هستند و می توانند مشتریان بیشتری را به صورت بالقوه تحت تأثیر قرار دهند. در این مورد نیاز به تدوین قوانین سنجیده برای از بین بردن ریسک های مالیاتی احساس می شود. اما در هرحال، مدیریت ریسک های مالیاتی برای اطمینان از تمکین مالیاتی، معمولاً پیچیده است و نیازمند سرمایه گذاری قابل ملاحظه ای در مدیریت فرآیندها و حاکمیت می باشد. در صورت امکان، مقامات مالیاتی باید به درک مشتری از اینکه چگونه قوانین مالیاتی در شرکتها و سیستم حاکمیت به کار می رود، اعتماد کنند. برای شرکت ها مهم است که مسئولیت پاسخ‌گویی و حسابدهی تعریف شده ای داشته باشند.

۵-۱-۲- فرآیند بازنگری ریسک

با تمام پیچیدگی‌هایی که شرکت‌های بزرگ دارند، یک فاکتور مهم این است که شرکت‌های بزرگ عموماً توسط مدیران حرفه‌ای و نه بوسیله گروهی بی‌تجربه از مالکان، اداره می‌شوند. در نتیجه، شرکت‌های بزرگ تحت مراقبت شدید، با گزارشات سخت‌گیرانه، مسئولیت‌های پاسخ‌گویی منظم قانونی، شرکتی و حسابرسی هستند. این موارد توسط مراجع نظارتی به کار برده می‌شوند تا همانند مدیران و سهامداران، حاکمیت شرکتی مناسب و حمایت از سهامدار را اجرا نمایند تا از عدم کسری و زد و بند در شبکه بزرگ کارمندان و عملیات اطمینان حاصل گردد. این عوامل، میزان زیادی از اطلاعات در مورد عملیات و معاملات شرکت‌ها را برای مقامات مالیاتی فراهم می‌نماید. در این صورت، استفاده از مدل‌های ریسک که عملکرد مالیاتی مشتری را با روندهای صنعت مقایسه می‌نمایند، توصیه می شود.

در این شرکت‌ها لازم است به مشارکت مشتری توجه ویژه ای شود تا محرک‌های پشتیبان تصمیم‌گیری‌های تجاری وی را درک نمود. مذاکره با مؤدیان بزرگ در سمینارها و جلسات عمومی و

یا به صورت انفرادی در واحد مؤدیان بزرگ سازمان مفید است. همچنین ساز و کارهایی مانند ترتیبات قیمت‌گذاری پیشرفته، احساس خوبی را در مورد مسائل اصلی مالیات، منتقل می‌کند.

بر این اساس، ارزیابی ریسک و درجه‌بندی آنها بر اساس سیستم حاکمیت شرکتی مشتری، امری ضروری می باشد. علاوه بر موارد ذکر شده، توجه به ریسک‌های بیرونی از قبیل تغییرات در صنعت، ادغام‌ها و تحصیل، تجدید ساختارها، ساختارهای مالی و قانونی پیچیده و دامنه معرفی شرکت به جهان و معاملات بین مرزی نیز ضروری به نظر می‌رسند. شرکت‌های بزرگ با پیچیدگی کمتر، می‌توانند با استفاده از اطلاعات اظهارنامه قبلی، اطلاعات مشتری و اطلاعات بخش بازرگانی، ارزیابی شوند.

مقامات مالیاتی باید درجه‌بندی ریسک و برنامه‌های اجرایی را با مؤدیان به اشتراک بگذارند، اگرچه ضروری نیست که مقامات مالیاتی و مؤدیان در نمره‌ای که ارزیابی شده است، توافق داشته باشند. گفتگو در مورد کارهای لازم برای ریسک‌های شناسایی شده و عوامل آن ضروری است. به اشتراک گذاشتن ریسک‌های مشخص شده و گفتگو در مورد مداخله‌های ممکن، می‌تواند به صورت بهتری شرکت‌های بیشتری را قادر به تمکین مالیاتی سازد. برای مشتریان با ریسک بالا، بازنگری درجه‌بندی ریسک به طور منظم، مهم می‌باشد. میزان تلاش به کار رفته باید با اندازه و ماهیت ریسک‌های شناسایی شده، تطبیق داشته باشد.

۵-۱-۲-۱- فرآیند بازنگری ریسک در شرکت های با ریسک پائین

برای شرکت های با ریسک پائین ممکن است لازم نباشد تا فرایند بازنگری ریسک کامل، برای چندین سال اجرا شود. هر چند برای شرکتها ممکن است لازم باشد با مقامات مالیاتی ارتباط داشته باشند، تا به سئوالات پاسخ دهند و در مورد مسائل مالیاتی شان گفتگو کنند. به عنوان مثال اگر بازسازی یا ادغام، قوانین جدید، یا معاملات عمده دیگری اتفاق افتاده باشد.

۵-۱-۲-۲- فرآیند بازنگری ریسک در شرکت های با ریسک بالا

هدفِ کاهش تمرکز بر روی شرکت‌های با ریسک پائین، این است که منابع بیشتری را بر شرکت‌هایی که به نظر می‌رسند ریسک بالا دارند، متمرکز کنیم. این شرکت ها به طور مستمر نیاز به گفتگو با هیئت‌های بررسی ریسک سالانه دارند. اگر ریسک‌های قابل ملاحظه‌ای پیدا شوند، مقامات مالیاتی باید بتوانند با مشتریان‌شان به صورت عمیق و فشرده کار کنند تا آن ریسک‌ها را تجزیه و تحلیل نمایند. شرکت‌های بزرگ باید معاملات خاصی را که از استانداردهای رایج پیروی نمی‌کنند و در

معرض بازرسی‌های زیاد می‌باشند، را پیش‌بینی نمایند. به طور کلی این گونه معاملات، ویژگی‌های زیر را دارا می‌باشند:

* مبنای اقتصادی کم یا غیر اقتصادی یا عواقب مالیاتی نامناسب نسبت به موقعیت اقتصادی یک شرکت.
* سود قبل از مالیات کم یا صفر که بر پایه ذخیره‌های مالیاتی پیش بینی شده، به وجودآمده است.
* عدم تطابق بین شکل قانونی یا رفتار حسابداری با محتوای اقتصادی.
* دلیل تجاری غیر شفاف، ساختگی و یا غیر ضروری.
* درآمد یا مخارج نامتناسب با فعالیت اقتصادی.

۵-۲- ریسک در بنگاههای کوچک و متوسط (SMEs)[1]

در جهانِ درحال توسعه و توسعه یافته، بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط معمولاً ۹۰-۸۰ درصد از مؤدیان را در بر می‌گیرند، اما سهم شان در کل درآمد حدود ۱۰ درصد است. هر چند بازرسی مبتنی بر ریسک برای اطمینان از تمکین مالیاتی ضروری می‌باشد، اما حسابرسی برای شرکت‌های کوچک اغلب هزینه‌بر بوده و به ندرت دارای اثر بخشی مؤثر می‌باشند و در نتیجه حجم حسابرسی و تکرار آن بایستی در شرکت‌های کوچک کمتر باشد. تجربه سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی در کشورها نشان می‌دهد که انتخاب حسابرسی بر مبنای ریسک در استفاده از منابع کمیاب حسابرسی به صورت منطقی و هدف‌گذاری برنامه حسابرسی برای مؤدیان با ریسک بالا ضروری می‌باشد.

جهت کاهش هزینه‌های اداری، اعمال متقابل غیرضرور و بار سنگین تمکین مالیاتی در بنگاه-های کوچک، مالکان این گونه بنگاه‌ها بایستی تشکیلات خود را براساس خوداظهاری مالیاتی پایه-ریزی نمایند. این موضوع نیازمند روش محاسبه‌ای است که با ظرفیت متناسب باشد و گاهی اوقات نیازمند معرفی برنامه‌های محاسبه فرضی می‌باشد. همزمان، حسابرسی در هر سیستمی که مالیات‌ها به صورت خوداظهاری بوده و در جهت کسب اطمینان از صحت کار سیستم و شناسایی ریسک کم-اظهاری انجام می‌پذیرد، مورد انتقاد است. بنابراین، یک ممیزی تمکین و برنامه‌های حسابرسی مالیاتی ویژه برای بنگاههای کوچک ضروری می‌باشد. برنامه‌های مدیریت تمکین برای بنگاههای کوچک و متوسط با برنامه‌های مؤدیان بزرگ و متوسط به دلیل ذیل متفاوت می باشد:

1. Small and Medium Size Enterprises (SMEs)

۱- تعداد زیاد مؤدیان کوچک در مقابل درآمد اندک آنها؛

۲- مبالغ اندک از اطلاعات در دسترس از مؤدیان کوچک؛

۳- نیاز به ترکیب حسابرسی تمکین با کارهای مشاوره که نتیجه آن راهنمایی تمکین بهتر مالیاتی و دفترداری ساده می‌باشد.

معیار ریسکی که عموماً در مدل‌های پایه برای شرکت‌های کوچک استفاده می شود، شامل بخش‌های فعالیت و ساختار شرکت، کیفیت دفترداری، رفتار تمکین در گذشته، نسبت‌های هزینه و کسر از درآمد ناخالص، مقایسه یا میانگین صنعت و بخش‌ها و نسبت بدهی ـ طلب بنگاه های کوچک و متوسط که برای مالیات بر ارزش افزوده ثبت شده، می باشد.

۵-۲-۱- تجربه بنگاههای کوچک و متوسط در مناطق و کشورهای مختلف

در آلمان، صرفاً حدود ۴ درصد از بنگاههای کوچک و ۱ درصد از بنگاههای خرد حسابرسی سالیانه شده اند و بیشتر منابع صرف حسابرسی شرکت های بزرگ شده است که حدود ۲۳ درصد شرکتهای بزرگ را تشکیل می دهد (جدول۲). درآمد اضافی ارزیابی شده از ۴۴۱۱۴ بنگاه کوچک حسابرسی شده در سال ۲۰۰۸ فقط ۴ درصد کل درآمد را تشکیل می دهد و بالغ بر ۷۸ درصد درآمد کسب شده از حسابرسی از آن شرکت های بزرگ می باشد. در اروپا و به ویژه منطقه آسیای مرکزی، جایی که حسابرسی کامل استفاده می گردید و عرف شده بود، پوشش حسابرسی بنگاههای کوچک همچنان نسبتاً گسترده انجام می پذیرد. اطلاعات بانک جهانی نشان می دهد که بازرسی های مؤدیان در منطقه هنوز هم به صورت نامتناسب بر بنگاههای کوچک متمرکز شده اند. بازرسی شرکتهای کوچک ۴۹ درصد، شرکتهای متوسط ۵۸ درصد و شرکتهای بزرگ ۶۹ درصد کل بنگاهها می باشد. این موضوع براساس استراتژیهای مدیریت تمکین در منطقه می باشد (بانک جهانی، ۲۰۰۹).

جدول(۳)- تعداد شرکتهای حسابرسی شده در آلمان بر اساس اندازه

بخش	تعداد شرکت	تعداد شرکت حسابرسی شده	درصد شرکتهای حسابرسی شده	فراوانی ممیزی(سال)
بزرگ	۱۷۰۰۶۰	۳۹۸۸۵	۲۳/۵	۴/۲۶
متوسط	۷۵۸۰۵۱	۵۶۹۹۹	۷/۵	۱۳/۳
کوچک	۱۱۴۱۱۴۶	۴۴۱۱۴	۳/۹	۲۵/۸۷
خرده شرکت	۶۳۲۱۴۶۵	۶۹۶۳۸	۱/۱	۹۰/۷۸

مأخذ: وزارت اقتصاد آلمان، ۲۰۰۸

شکل ۷- درصد شرکتهای حسابرسی شده در اروپا و آسیای میانه بر حسب اندازه

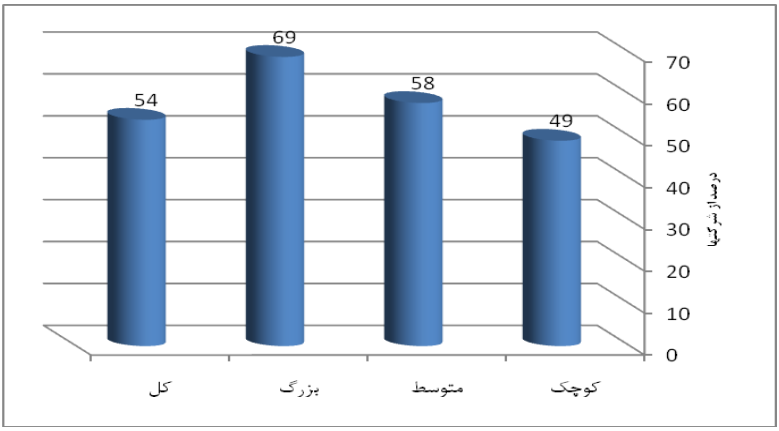

مأخذ: بانک جهانی، ۲۰۰۹

۵-۲-۲- تجربه سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD) و کاربردهای بالقوه برای محیط کشورهای توسعه یافته

تجربه سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی در کشورها نشان می دهد که انتخاب حسابرسی بر مبنای ریسک در استفاده از منابع کمیاب حسابرسی به صورت منطقی و هدف گذاری برنامه حسابرسی بر مؤدیان با ریسک بالا ضروری می باشد. جهت کاهش هزینه های اداری، اعمال متقابل غیر ضرور و بار سنگین تمکین مالیاتی در بنگاههای کوچک، مالکان این گونه بنگاهها بایستی تشکیلات خود را بر اساس خوداظهاری مالیاتی پایه ریزی نمایند. این موضوع نیازمند روش محاسبه ای است که با ظرفیت متناسب باشد و گاهی اوقات نیازمند معرفی برنامه های محاسبه فرضی می باشد. همزمان حسابرسی در هر سیستمی که مالیاتها به صورت خوداظهاری بوده و در جهت کسب اطمینان از صحت کار سیستم و شناسایی ریسک کم اظهاری انجام می پذیرد، مورد انتقاد است. بنابراین یک ممیزی تمکین و برنامه های حسابرسی مالیاتی ویژه برای بنگاههای کوچک ضروری می باشد. برنامه های مدیریت تمکین برای بنگاههای کوچک و متوسط با برنامه های مؤدیان بزرگ و متوسط به دلایل ذیل متفاوت می باشد:

۱- تعداد زیاد مؤدیان کوچک در مقابل درآمد اندک؛ ۲- مبالغ اندک از اطلاعات در دسترس از مؤدیان کوچک؛ ۳- نیاز به ترکیب ممیزی تمکین با کارشناسی مشاوره که نتیجه آن راهنمایی تمکین بهتر مالیاتی و دفترداری ساده می باشد.

۵-۲-۳- حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در ایران

باتوجه به اینکه درکشور ایران دومین منبع تامین کننده مصارف بودجه ای، مالیات می باشد و از طرفی شناسایی پایه های مالیاتی جدید، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و در نتیجه تامین هزینه های جاری کشور از محل درآمدهای مالیاتی در برنامه های مختلف توسعه ای کشور نظیر سند چشم انداز و قانون برنامه پنجم توسعه[1] مصوب و تاکید شده است، لذا شناسایی مؤدیان با ریسک بالا و تمرکز منابع برای حسابرسی آنها به همراه اعتماد به خود اظهاری مؤدیان کم ریسک (بدون مداخله سازمان مالیاتی) منجر به پیشگیری از رفتارهای مجرمانه خواهد گردید و در نتیجه تمکین مالیاتی را ارتقاء بخشیده و در مجموع منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی عادلانه و کاهش هزینه های اداری می گردد.

شناسایی ریسک مؤدیان مستلزم شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک تمکین و تحلیل ارزیابی ریسک توسط سیستم سازمان مالیاتی و در نتیجه انتخاب مؤدی جهت حسابرسی می باشد. شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک نیازمند وجود زیرساختهای فناوری اطلاعات بسیار پیشرفته هم در بعد نرم افزاری و هم سخت افزاری و اتصال کلیه بانکهای اطلاعاتی در سطح کشور نظیر گمرک، ثبت اسناد و املاک و خودرو، بانکها و بیمه ها و ... به پایگاه داده مرکزی بوده و این مهم نیازمند حمایت همه جانبهٔ همه قوا بالاخص در بعد قانونگذاری است. در سالهای اخیر در سازمان مالیاتی ایران، پروژه انتخاب حسابرسی بر مبنای ریسک زیر مجموعه محور نظام یکپارچه مالیاتی در طرح جامع مالیاتی در دوره های زمانی کوتاه مدت و بلند مدت دیده شده، ولی هنوز کاملاً عملیاتی نگردیده است.

اختصاص شماره شناسایی منحصر به فرد به هر مؤدی و نیز دریافت حدود ۹۴ درصد از اظهارنامه های دریافتی سال ۹۰ به صورت الکترونیکی، پیگیری و ارائه لایحه اصلاح قانون مالیاتها (با تاکید بر تقویت بانکهای اطلاعاتی و ضمانت اجرایی) به مجلس شورای اسلامی نشان دهنده اراده سازمان مالیاتی و دولت در حرکت به سمت مدیریت ریسک و حسابرسی مبتنی بر آن می باشد. در وضعیت

۱- ماده ۱۱۷ قانون برنامه پنجم توسعه ایران ، مصوب ۸۹/۱۰/۱۵.

موجود، به دلیل انجام کلیه فرایندهای حسابرسی به صورت دستی و کاغذی و با صرف وقت زیاد، عدم وجود اطلاعات و تجربه کافی برای اجرای حسابرسی بر مبنای ریسک و عدم توانایی انجام تحلیل های پیچیده به دلیل فقدان زیر ساختهای فناوری اطلاعات و مراکز ورود داده، شکاف کلیدی با وضعیت مطلوب وجود دارد (سازمان مالیاتی ایران، شهریور ۱۳۹۱). به طور خلاصه در وضعیت موجود عوامل زیر مشهود است:

۱- کارکرد حسابرسی با کارکرد انتخاب یکی می‌باشد؛

۲- ارتباط مستقیم ممیز با مؤدی و احتمال بروز تنش و فساد؛

۳- وجود رفتار تبعیض‌آمیز برای انتخاب اظهارنامه مؤدیان جهت رسیدگی؛

۴- افزایش فرار مالیاتی؛

۵- وجود پردازش‌های دستی بسیار زیاد؛

۶- نارضایتی ارباب رجوع.

و اما در وضعیت مطلوب و با استفاده از مدل امتیازدهی بر مبنای ریسک مؤدی به اهداف زیر خواهیم رسید:

- تفکیک کارکرد حسابرسی از کارکرد انتخاب؛
- کاهش تنش بین ممیزان و مؤدیان به دلیل عدم ارتباط مستقیم؛
- حصول اطمینان از رفتار یکسان و غیر تبعیض آمیز برای انتخاب اظهارنامه و حسابرسی؛
- کاهش فرار مالیاتی؛
- پردازش‌های الکترونیکی و متمرکز؛
- بهبود و افزایش رضایت مؤدیان؛
- افزایش درآمدهای مالیاتی با تمرکز بیشتر بر مؤدیان پر ریسک.

طبق اعلام رسمی سازمان امور مالیاتی ایران معادل ۶۵/۵ درصد از کارکنان سازمان مذکور در پستها و وظایف مربوط به حسابرسی، رسیدگی و سایر امور ممیزی اشتغال دارند، این در حالی است که در بسیاری از کشورهای جهان با اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک بخش قابل توجهی از نیروی انسانی در خدمات مؤدیان و امور تمکین مشغول به کار می باشند. غیر از ژاپن و آلمان، سایر کشورها بین ۲۰ تا ۴۰ درصد کارکنان خود را به امور تشخیص و حسابرسی تخصیص داده اند و در مقابل

مدیریت تمکین و امور مؤدیان را تقویت کرده اند که این موضوع موجب کاهش هزینه های اداری به دلیل افزایش تمکین داوطلبانه و وصول به موقع مالیات به دلیل کوتاه شدن فرایند رسیدگی و تشخیص گردیده است.

۵-۳- تحلیل ریسک با استفاده از فناوری اطلاعات

همان طور که در بالا گفته شد، حسابرسی مبتنی بر ریسک به طور گسترده به سطح رایانه ای شدن و فناوری اطلاعات در جهت (الف) ایجاد و مدیریت پایگاه‌های داده که در برگیرنده اطلاعات مربوط به مؤدیان باشد؛ (ب) راه‌اندازی سیستم انتخاب جهت حسابرسی مبتنی بر ریسک؛ و (ج) استفاده از این سیستم به صورت روزانه، بستگی دارد. تجربیات بین المللی سه محور را برای سیستم انتخاب ممیزی با طراحی خوب پیشنهاد می‌کنند:

- جمع آوری و متمرکز کردن داده های مربوطه.
- ایجاد و گسترش یک شبکه رایانه ای در سطوح مرکزی و محلی.
- به کار بردن نرم افزارهای کاربردی برای روش‌های مالیات و مدیریت داده ها.

این سه محور مخصوص انتخاب مؤدیان جهت حسابرسی نمی‌باشد. در واقع یک سیستم کارآمد انتخاب جهت حسابرسی مبتنی بر ریسک، بخشی از زیرساخت‌های بزرگ IT است که کل عملیات سازمان مالیاتی را مدیریت می‌کند. بسیاری از سیستم‌های رایانه ای شدهٔ مالیات مانند کشورهای مالزی و تانزالیا، مدیریت حسابرسی را به عنوان مدل جاسازی شده در یک سیستم مدیریت مالیاتی کاملاً پیشرفته، معرفی کرده‌اند. واضح است که داده های کیفی برای تخمین یک مدل ارزیابی ریسک مورد انتقاد هستند. در طول فاز تخمین و ارزیابی، اطلاعات هر دو گروه مؤدیان حسابرسی شده و حسابرسی نشده، ضروری هستند. هر چند که لیست یکنواختی در مورد متغیرهای لازم برای این مرحله وجود ندارد، اما هر دادهٔ اضافی می‌تواند استراتژی انتخاب برای حسابرسی را بهبود بخشد. همان‌طور که در شکل ۶ نشان داده شد، دو مجموعه داده هنگام ارزیابی مورد استفاده قرار می‌گیرند: داده‌های مشترک هر دو گروه مؤدیان حسابرسی شده و حسابرسی نشده و داده‌های حسابرسی‌های قبلی.

داده های مشترک دو گروه معمولاً موارد زیر را تحت پوشش قرار می دهند:

- داده‌های داخلی که از خود ادارهٔ مالیات سرچشمه می‌گیرند و ویژگی‌های ثابت مؤدی مالیاتی(موقعیت، صنعت، وضعیت قانونی، اندازه) و اطلاعات مالی، استخدام، وضعیت مالیاتی و البته رفتار تمکین مالیاتی مؤدی (قصور در ارائه اظهارنامه، دیرکردهای پرداخت) را پوشش می‌دهند.

– داده های بیرونی، داده‌هایی که توسط ادارهٔ مالیات از منابع شخص ثالث از قبیل سایر ادارات (بانک مرکزی، گمرک) و دیگر اداره‌های مالیاتی که وضع مالیات در آنها با توجه به نوع مالیات (مانند مالیات بر ارزش افزوده، مالیات مستقیم) و با توجه به نوع مؤدیان انجام می‌پذیرد، استخراج می‌گردد.

معمولاً داده‌های شرکت‌های حسابرسی شده جامع‌تر هستند، زیرا حسابرسی فرصتی است برای سازمان مالیاتی تا اطلاعات دقیق از وضعیت مالیاتِ مؤدی را جمع‌آوری کند. البته این اطلاعات شامل میزان مالیات‌های تسویه شده و جریمه‌ها نیز می شود. شکل ۸ گزارش داده‌ها در مدل‌های امتیازدهی مورد استفاده سازمان‌های مالیاتی را نشان می‌دهد:

شکل ۸- جریان داده‌ها در مدل‌های حسابرسی مبتنی بر ریسک

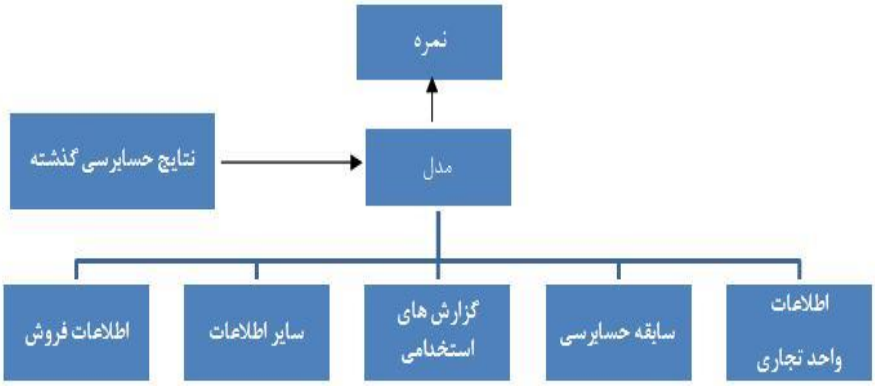

استفاده از IT در سازمان مالیاتی پیش نیازی برای طراحی سیستم حسابرسی مبتنی بر ریسک است که نمی توان آن را نادیده گرفت. در واقع در غیاب یک سیستم IT ، تنها روش حسابرسی دستی با تمام کاستی هایش که قبلاً گفته شد در اختیار اداره مالیاتی است. استفاده از نرم افزار مناسب، سومین محور در به کارگیری یک سیستم حسابرسی مبتنی بر ریسک است. از قبیل نرم افزارهای داده کاوی و آماری ویژه ای که هر دو می توانند در تخمین مدل انتخاب و شناسایی مؤدیان برای حسابرسی استفاده شود. سازمان‌های مالیاتی با توجه به میزان توسعه محور دوم (شبکه های رایانه ای)، دو شیوه را به کار می‌گیرند:

اگر یک سیستم متمرکز IT برای سازمان مالیاتی به کار گرفته شود (مانند مالزی و تانزانیا)، استراتژی حسابرسی می‌تواند در یک سیستم مدیریت مالی بزرگتر، یکپارچه شود. در نتیجه، نرم‌افزار، نه

تنها برای انتخاب حسابرسی، بلکه برای دیگر کارکردهای درآمدی مانند ارزیابی مالیات و جمع‌آوری مالیات نیز کاربرد خواهد داشت.

اگر هیچ سیستم IT متمرکزی برای سازمان مالیاتی وجود نداشته باشد، نرم‌افزار آماری و داده کاوی مخصوص می‌تواند برای ارزیابی مدل انتخاب حسابرسی و نیز تشخیص مؤدیان جهت حسابرسی، مورد استفاده قرار گیرد.

سرانجام اینکه وجود شماره شناسایی مؤدی، یک پیش‌شرط کلیدی برای به اشتراک گذاشتن کارآمد اطلاعات مؤدیان بین سازمان مالیاتی و دیگر مراجع همانند گمرک، پلیس، اداره ثبت املاک، ثبت وسایل نقلیه، مبادله سهام (بورس) و بانک‌ها است.

البته با تمام مزایای گفته شده، تمامی روش های حسابرسی مبتنی بر ریسک به دلیل تفاوت در داده ها و شرایط لازم برای IT، به کارگیری مؤثر روش های تطابقِ داده حتی برای خبره ترین سازمانهای مالیاتی یک چالش پیش روی IT است با این وجود، تکنیک های تطابقِ داده به طور گسترده در کشورهای توسعه یافته سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD) مورد استفاده قرار گرفته اند و در کشور های در حال توسعه، مورد بی توجهی قرار گرفته اند.

۶- خلاصه و نتیجه گیری

ترویج تمکین داوطلبانه پرداخت مالیاتها نیاز به توسعه رویکردهای مدرن مبتنی بر مدیریت ریسک به منظور مقرون به صرفه بودن درآمدهای حاصله دارد. تمکین داوطلبانه از طریق سیستم خوداظهاری بدست می آید که در آن مؤدیان تعهدات مالیاتی خود را بدون مداخله مقامات مالیاتی انجام می دهند. در این رویکرد مؤدیان به طور داوطلبانه و به دقت اظهارنامه های مالیاتی خود را برای شناسایی تمام بدهی های مالیاتی تکمیل می کنند و این اظهارنامه ها را جهت پرداخت تسلیم می کنند. وقتی که این اتفاق نمی افتد، اداره مالیاتی عملیات اجرایی مناسب از جمله حسابرسی مالیاتی را اعمال می کند. مدیریت ریسک عنصری مهم، مؤثر و کارآمد در مدیریت تمکین مالیاتی می‌باشد، چرا که غیرممکن است که هر مؤدی را به تنهایی بتوان مورد نظارت و بررسی قرار داد و هدر دادن منابع جهت بررسی مداوم مؤدیان کم خطر و سازگار هدر دادن منابع است. عوامل مختلفی از جمله عوامل روانی و رفتاری مؤدیان، احتمال ممیزی، نرخ مالیاتی، درآمد واقعی و ... بر تمکین مالیاتی مؤثر هستند. همچنین از عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی مؤدیان در یک مدل حسابرسی مبتنی بر ریسک از نگاه سازمان مالیاتی

می توان به وضعیت واحد تجاری، عوامل صنعت، عوامل اقتصادی و عوامل حاکمیت شرکتی نام برد. که سازمان مالیاتی باید سعی کند به این عوامل توجه کرده و از روشهای گوناگون از جمله آموزش مؤدیان، تمکین مالیاتی را در آنها افزایش دهد.

برای انتخاب مؤدیان جهت حسابرسی، می توان از انتخاب دستی، تصادفی و مبتنی بر ریسک استفاده کرد و از جمله تکنیک های ارزیابی ریسک می توان به تطبیق اطلاعات با استفاده از اطلاعات شخص ثالث، اطلاعات گمرکی و بانکی، ثبت املاک و اسناد، بیمه و ... اشاره کرد و اطلاعات دریافتی از این گونه منابع باعث دریافت اطلاعات خوبی در مورد عوامل تأثیر گذار بر تمکین مالیاتی و درجه بندی ریسک مؤدیان خواهد شد.

اما در مورد شرکت های بزرگ مالیاتی، با وجود تعداد اندک به طور متوسط در حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد مالیات پرداختی را دارند و شرکتهای کوچک با وجود تعداد زیاد آنها، پرداخت مالیاتی کمتری را دارند لذا حسابرسی مالیاتی در این دو نوع شرکت متفاوت خواهد بود.

شرکت‌های بزرگ توسط مدیران حرفه ای اداره شده و مقررات مالی شان سختگیرانه بوده و قوانین و مقررات خاص خود را دارا می‌باشند لذا حسابرسی مبتنی بر ریسک به حاکمیت شرکتی بستگی داشته و لازم است که مشتری را مشارکت دهیم تا محرکهای پشتیبان تصمیم گیری های تجاری وی را درک نمائیم. همچنین مذاکره با مؤدیان بزرگ در سمینارها و جلسات عمومی و یا به صورت انفرادی در واحد مؤدیان بزرگ سازمان مفید است. در شرکت‌های کوچک هر چند بازرسی مبتنی بر ریسک برای اطمینان از تمکین مالیاتی ضروری می باشد، اما حسابرسی آنها اغلب هزینه‌بر بوده و به ندرت دارای اثر بخشی می‌باشند و در نتیجه حجم حسابرسی و تکرار آن بایستی در این گونه شرکت‌ها کمتر باشد. بنابراین یک ممیزی تمکین و برنامه‌های حسابرسی مالیاتی ویژه برای بنگاه‌های کوچک ضروری می باشد.

در پایان اینکه استفاده از IT در سازمان مالیاتی پیش نیازی برای طراحی سیستم حسابرسی مبتنی بر ریسک است که نمی توان آن را نادیده گرفت. در واقع، در غیاب یک سیستم IT تنها روش حسابرسی دستی در اختیار اداره مالیاتی است که کاستی‌های خاص خود را دارد. با وجود داده‌های فراوان در بحث مالیات‌ها، استفاده از نرم‌افزار مناسب از قبیل نرم‌افزارهای داده کاوی و آماری ویژه در یک سیستم حسابرسی مبتنی بر ریسک ضروری است که هر دو می‌توانند در تخمین مدل انتخاب حسابرسی و شناسایی مؤدیان برای حسابرسی، استفاده شوند.

فهرست منابع

۱- سازمان مالیاتی ایران(شهریور۱۳۹۰)، " نگاهی به طرح جامع مالیاتی" ، ستاد طرح جامع مالیاتی- دفتر مدیریت تغییر.

۲- سازمان امور مالیاتی ایران(فروردین۱۳۹۱)، "گزارش تحلیلی درآمدهای مالیاتی ادارات کل سراسر کشور حاوی عملکرد برنامه چهارم ، سال ۹۰ و پیش بینی ۹۱"، دفتر پژوهش و برنامه ریزی.

۳- سازمان مالیاتی ایران(شهریور۱۳۹۱)، "ظرفیتهای مالیاتی اقتصاد ایران، چالش ها و راهکارهای توسعه آن"، دفتر پژوهش و برنامه ریزی.

۴- قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه ایران، مصوب ۸۹/۱۰/۱۵ ، مجلس شورای اسلامی.

۵- قانون مالیاتهای مستقیم ایران و قانون اصلاح موادی از آن، مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، مجلس شورای اسلامی.

6. Abdullah S.N. (2004), "Board Composition, CEO Duality and Performance among Malaysian listed Companies". Corporate Governance No. 4.

7. Alabede, James, O. Zaimah , Bt. Zainol Ariffin & Kamil Md Idris (2011), "Determinants of Tax Compliance Behaviour: A Proposed Model for Nigeria". International Research Journal of Finance and Economics. ISSN 1450-2887 Issue 78.

8. Alabede, James, O. Zaimah, Zainol Ariffin and Kamil Md Idris (2011), "Individual Taxpayers' Attitude and Compliance Behaviour in Nigeria: The Moderating Role of Financial Condition and Risk Preference". Journal of Accounting and Taxation. Vol. 3(5).

9. Andreoni, J., Erard, B.,and Feinstein, J.(1998), "Tax Compliance". Journal of Economic Literature.

10. Barbuta Misu, Nicoleta (2011), "A Review of Factors for Tax Compliance". a Faculty of Economics and Business Administration, "Dunarea de Jos University of Galati, 59-61 Nicolae Balcescu Street, Galati, Romania.

11. Devos, Ken (2007),"Measuring and Analysing Deterrence in Taxpayer Compliance Research". Journal of Australian Taxation,

Department of Business Law and Taxation, Monash University, Australia, vol 10(2).

12. Hyun, Jin kwon (2005), "Tax compliance in Koria and Japan: why are they Different?" Discussion at the seminar held by Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan.

13. Khwaja, Munawer Sultan. Rajul Awasthi, and Jan Loeprick (2011), Risk-Based Tax Audits: Approaches and Country Experiences, The International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank, 1818 H Street NW, Washington DC 20433.

14. Kirchler, E. (2007), "The Economic Psychology of Tax Behavior". Cambridge: Cambridge University Press.

15. Kirchler, E., Hoelzl, E., and Wahl, I. (2008), "Enforced versus Voluntary Compliance: The “Slippery Slope” Framework". Journal of Economic Psychology.

16. Kirchler, Erich. Stephan Muehlbacher. Barbara Kastlunger and Ingrid Wahl (2007), "Why Pay Taxes? A Review of Tax Compliance Decisions". International Studies Program, December 2007, pp.1-31.

17. Mc Barnett, D. (2003), "When Compliance is not The Solution but The Problem: From Changes in Law to Changes in Attitude" in V. Braithwaite, Tax democracy: Understanding Tax Avoidance and Evasion. Aldershort: Ashgate Publishing Ltd.

18. Niemirowski, Pauline. Steve Baldwin and Alexander J Wearing (2003), "Tax Related Behaviors, Beliefs, Attitudes and Values and Taxpayer Compliance in Australia". Journal of Australian Taxation, Department of Business Law and Taxation. Monash University, Vol. 6(1).

19. Niemirowski, Pauline and Alexander J Wearing. (2003), "Taxation Agents and Taxpayer Compliance". Journal of Australian Taxation, Department of Business Law and Taxation. Monash University, Vol. 6.

20. OECD (2004), Centre for Tax Policy and Administration, Compliance Risk Management: Audit Case Selection Systems Prepared by Forum on Tax Administration Compliance Sub- group.

21. Palil, Mohd Rizal. Ahmad Fariq Mustapha. (2011), "Determinants of Tax Compliance in Asia: A case of Malaysia". European Journal of Social Sciences – Volume 24, Number 1.

22. Timothy. Yeung Chi Kwan. (2010), “Effects of Corporate Governance on Tax Aggressiveness”; Accounting Major, Hong Kong Baptist University.

23. Sartori, Nicola. (2008), “Effects of Strategic Tax Behaviors on Corporate Governance". September 1, University of Michigan.